



بود و رابین دستور داد بیشترین تمرکز روی «یحیی عیاش» باشد.

مسئولیت پرونده به «عزرائیل حسون» باتجربه‌ترین مامور «شاباک» سپرده شد. شاباک (شین‌بت) مهم‌ترین سازمان اطلاعاتی اسرائیل برای مقابله با نامنی در داخل سرزمین‌های اشغالی است.

حسون گفت راه دستگیری عیاش این است که تک تک اعضای سازمان هر روز صبح از خود بپرند امروز برای دستگیری عیاش چه باید بکنیم؟

اطلاعات از عیاش کم بود و یک گزارش، چیزی از او نمی‌دانستند. از تلفن ثابت استفاده نمی‌کرد و دائم مکان خود را تغییر می‌داد. از همه متمرکزتر آنکه به هیچ‌کس هم اعتماد نمی‌کرد.

حسون برای عیاش اسام رمز «کریستال» را انتخاب کرد و همه شباباک را پای کار آورد، چراکه فشارهای رابین برای ضربه به یحیی بیش از حد تحمل بود. همه عجله داشتند و می‌گفتند اول او را بکشید؛ بعد ببینیم چه اتفاقی می‌افتد.

اواخر آگوست ۱۹۹۵، شاباک فهمید یحیی در اقدامی نادر، از منزل «اسامه حماد» دوست قدیمی‌اش چند تماس گرفته است.

اسامه می‌گوید: «حدود ۵ ماه قبل یحیی نزد من آمد تا برای مدتی او را در جای امنی پنهان کنم. دلیل این مراجعه همه دوستی و اعتماد کاملی بود که به یکدیگر داشتیم. تا چند هفته، به جز چند نفر از هم‌زمان مهندس را به هر بهانه‌ای به خواهرزاده‌اش (اسامه) هدیه بدهد. فعالیت داشت و با تجارت معروف نوار غزه بود، تصادفاً متوجه یحیی در منزل ما شد».

اسرائیل همکار مورد نیاز خود را شناخته بود. کمال حداد پیش از این نیز با یحیی همکاری کرده بود. کمال حداد از «کمال حماد» خواست که دستگاه تلفن همراه را به هر بهانه‌ای به خواهرزاده‌اش (اسامه) هدیه بدهد. آنها مطمئن بودند عیاش از این تلفن استفاده خواهد کرد. افسر شاباک به کمال گفت در این تلفن یک فرستنده کوچک پنهان شده تا مکالمات را شنود کند. آنها دروغ گفته بودند. داخل تلفن ۵۰ گرم مواد منفجره با قابلیت کنترل از راه دور قرار داشت.

۲۸ اکتبر ۱۹۹۵، عیاش به منزل دوستش برگشت شاباک از «کمال حماد» خواست به بهانه‌ای موبایل را به امواج گوشش می‌دادند تا اصالت صدای مهندس را تایید کنند.

همه منتظر انفجار بودند ولی مکالمه عیاش همچنان ادامه داشت. سیگنال دوباره ارسال شد ولی اتفاقی نیتاد و انفجار بمب کوچک با شکست مواجه شد. شاباک از «کمال حماد» خواست به بهانه‌ای موبایل را از اسامه بگیرد تا مشکل را برطرف کنند.

در حالی که تیم ترور شبانه‌روز به دنبال یک فرصت دوباره می‌گشت، اتفاقی مهم جامعه اسرائیلی را در شوک بزرگی فرو برد.

۲ نوامبر ۱۹۹۵ برابر با ۱۳ آبان ۱۳۷۴، اسحاق رابین که مشغول توافق با فلسطینیان بود، در مقابل چشم صدها نفر در میدان اصلی تل‌آویو به دست یک یهودی تندرو به نام «یگال عمیر» ترور شد و به هلاکت رسید. در ادامه ششمین پسر جایگزین رابین شد و او هم ترور یحیی عیاش را در دستور کار اول دستگاه‌های امنیتی اسرائیل قرار داد. بمب کوچک همچنان در تلفن همراه آماده بود تا اینکه صبح روز جمعه ۵ ژانویه ۱۹۹۶، یحیی بار دیگر به خانه اسامه برگشت.

### لقاءالله

ساعت ۹ صبح پدرش با او تماس گرفت و گفت چقدر او را دوست دارد و دلش برای پسرش تنگ شده است. همین مقدار برای کارشناس شنیت کافی بود تا علامت بدهد. این بار سیگنال از تل‌آویو به موبایل رسید و انفجار رخ داد. بمب کوچک آسیب زیادی به سر مهندس وارد کرد و او را به شهادت رساند.

عیاش را ده‌ها هزار نفر در غزه تشییع کردند و هم‌زمان حساس مشغول سازماندهی شهادت‌طلبان خود شد. یکی از سخنگویان حماس گفت: «دروازه‌های جهنم به روی اسرائیل باز شده است».

\* کارشناس ارشد فلسطینی



درجه‌داران اسرائیلی بخش پرواز خود اما با منفجر کردن بمب‌های درون ساسک در کنار خودرو، موجب کشته و زخمی شدن سرنشینان آن شد.

### عملیات «شهدای زنده»

به منظور تحقق شعارهای انتقام‌جویانه مردم فلسطین در تشییع جنازه شهید «کمال حکیل» و هم‌زمان مجاهدش «حاتم حسان»، «سعید دس» و فرزندش «بلال» که در حمله نیروهای امنیتی اسرائیل به شهادت رسیدند، ۲ خودروی حاوی مواد منفجره مهیا شده و نخستین آنها روز جمعه ۱۰ مارس ۱۹۹۵ ساعت ۱۴ در حالی که توسط «خالد خلیب» هدایت می‌شد، در کنار یک خودروی حامل نظامیان صهیونیست منفجر شد که به کشته شدن ۷ زخمی شدن ۲۲ صهیونیست انجامید.

۲ ساعت بعد از شهادت «خالد خلیب»، مجاهد استشهادهای «عماد ابومنه» خودروی دوم را وسط ستون مکانیزه صهیونیست‌ها رساند و با انفجار آن، ۶ صهیونیست را کشت و ده‌ها نفر را زخمی کرد.

### عملیات «گوش قطیف»

بعد از شهادت «محمود خواجه» - فرمانده گردان‌های قدس (شاخه نظامی جنبش جهاد اسلامی) - توسط رژیم اشغالگر صهیونیستی، یحیی عیاش طرح به هلاکت رساندن یکی از فرماندهان امنیتی اسرائیل را کشید. برای انجام این نقشه، یک گاری حامل مقادیر قابل توجهی مواد منفجره، با هدایت یکی از استشهادهای، به سمت محل عبور خودروی فرمانده صهیونیست حرکت کرد و در تقاطع جاده «قیه دیکالیم» که نزدیکی محله «گوش قطیف» منتظر او ماند.

دقایقی قبل از رسیدن فرمانده و تیم همراهش، یک جیب گشتی صهیونیست‌ها به نزدیک گاری رفت و از راکب آن خواست مدارک شناسایی‌اش را نشان دهد. از آنجا که بازرسی مأموران موجب لو رفتن عملیات می‌شد، مجری عملیات اقدام به انفجار مواد همراه خود کرد که طی آن ۳ نظامی اسرائیلی کشته شدند.

### عملیات «امات گان»

ارتش اسرائیل ژوئن ۱۹۹۵، یکی از خانه‌های امن گروه شهادت‌طلبان قسام را کشف کرد و همه مجاهدان ساکن در آن را به شهادت رساند.

صبح روز دوشنبه پنجم ژوئن، در پاسخ به این اقدام رژیم، با طراحی دقیق مهندس عیاش یکی از شهادت‌طلبان حماس موفق به بمبگذاری در خودروی حامل فرماندهان صهیونیست شد که به موجب آن و با انفجار بمب در میان ستون نظامی صهیونیست‌ها، ۶ افسر اسرائیلی به همراه ده‌ها تن دیگر مجروح شدند.

### عملیات «امات اشکول»

در تکمیل عملیات «امات گان»، یکی دیگر از شهادت‌طلبان قسام به نام «سفیان جبارین»، صبح روز شنبه ۲۳ سپتامبر همان سال، با انفجار یک خودروی ملو از مواد منفجره در کنار یک کامیون حامل صهیونیست‌ها در منطقه «امات اشکول» به اعتراف خود صهیونیست‌ها ۵ درجه‌دار پلیس اسرائیل را کشت و ۱۰۶ نفر را مجروح کرد.

عملیات‌های شهادت‌طلبانه به اوج خود رسیده بود و «اسحاق رابین» نخست‌وزیر وقت اسرائیل تحت فشار شدیدی از سوی ساکنان سرزمین‌های اشغالی قرار داشت و با انجام عملیات «بیت لید»، این فشارها به اوج خود رسید.

۲ مجری عملیات استشهادهای از گروه شهادت‌طلبان جنبش جهاد اسلامی در یکی از مراکز پرجمعیت منطقه «بیت لید» شهرک نتانیا، ده‌ها نظامی اسرائیلی را کشته و زخمی کردند.

اگرچه این عملیات از سوی جنبش جهاد به رهبری شهید «فتحی شقافی» انجام شد ولی شواهد بسیاری نشان می‌داد «یحیی عیاش» نیز در آن نقش موثر داشته است.

وقتی رابین به محل عملیات رفت، جمعیت عصبانی علیه او شعار دادند.

این عملیات برای کابینه وقت اسرائیل بسیار گران تمام شد. رابین درخواست جلسه فوری با سران ارتش را داد و گفت این دیوانگی باید تمام شود. او سپس گفت «برگه‌های قرمز» را بیابوند تا او امضا کند. برگه‌های قرمز در واقع تاییدنامه‌های ترور اشخاص

«سلیمان زیدان»، سوار بر خودرویی مملو از مواد منفجره به دنبال خودروی نظامی صهیونیست‌ها به شماره ۱۷۸ حرکت کرد. این خودرو تعدادی از افراد ویژه پادگان نظامیان اسرائیلی در حومه قدس را به ستاد فرماندهی ارتش در منطقه غرب واقع در نزدیکی «بیت ایل» در شمال شهر «ارام‌الله» منتقل می‌کرد.

خودروی سلیمان که پلاک صهیونیستی داشت، با عبور از ۸ پست ایست بازرسی اسرائیلی‌ها، توانست ساعت ۷:۳۰ صبح روز یکشنبه ۵ سپتامبر ۱۹۹۳ کنار خودروی شماره ۱۷۸ برسد. با فشردن کلید انفجار توسط «سلیمان زیدان»، انفجار مهیبی رخ داد که موجب انهدام کامل خودروی صهیونیست‌ها و اصابت ترکش‌های انفجار به چند خودروی دیگر شد.

پس از این انفجار، تمام منطقه به محاصره کامل نیروهای امنیتی اسرائیل درآمد. ناظران و شاهان در اظهارات خود به خبرگزاری‌های محلی و خارجی تاکید کردند خودروی صهیونیست‌ها به طور کامل منهدم و سرنشینان آن همگی کشته شدند اما رژیم اشغالگر از اعلام تلفات قطعی سر باز زد!

### عملیات «عقوله»

۲۵ فوریه ۱۹۹۴ (مطابق ۱۵ رمضان) «باروخ گلدشتاین» صهیونیست افراطی وارد حرم ابراهیمی در الخلیل شد و به مدت یک دقیقه و نیم، با مسلسل به سمت نمازگزاران شلیک کرد.

۴۰ بار خشاب خود را عوض کرد، ۲۹ نفر را به شهادت رساند و بیش از ۱۰۰ نفر را زخمی کرد تا اینکه نهایتاً با ضربه یکی از فلسطینیان که کپسول آتش‌نشانی را به سرش کوبید، زمین خورد و مردم او را کشتند.

۴۰ روز بعد از این جنایت، «یحیی عیاش» سلسله عملیات‌های انتقام خود را آغاز کرد.

یک شهادت‌طلب قسامی به نام «رائد زکارنه»، خودروی پر از مواد منفجره را مقابل ایستگاه مرکزی حمل‌ونقل خودروهای اسرائیلی در منطقه «عقوله» منفجر کرد که منجر به هلاک ۸ صهیونیست و زخمی شدن بیش از ۵۰ صهیونیست شد.

### عملیات «الخضیره»

عدلی بعد، در انشای برگزاری جشن ارتش اشغالگر به مناسبت زنده نگه داشتن یاد صهیونیست‌های کشته شده در جنگ با اعراب، مهندس عیاش دومین ضربه‌اش را در انتقام کشتار نمازگزاران حرم ابراهیمی، بر پیکر صهیونیست‌ها وارد کرد.

ساعت ۸:۵۰ روز ۱۳ آوریل ۱۹۹۴، مجاهد شهادت‌طلب «عمار عمارنه»، چاشنی بمب تعبیه شده توسط یحیی عیاش در داخل یکی از خودروهای دشمن در محور معروف به شماره ۸۰ شهر «الخضیره» را فعال کرد و با شهادت خود حداقل ۶ نظامی صهیونیست را کشت و ۳۲ صهیونیست را به‌شدت مجروح کرد.

### عملیات «تل‌آویو»

در سومین عملیات انتقامی، یحیی عیاش قلب تل‌آویو یعنی خیابان «دیزنگوف» را هدف گرفت.

مجری این عملیات، شهید «صالح سوی» بود که مهندس عیاش خود شخصاً او را به تل‌آویو رساند.

صالح ۱۹ اکتبر ۱۹۹۴ سوار یک اتوبوس شد و بمب همراه خود را منفجر کرد که به کشته شدن ۲۳ صهیونیست و زخمی شدن ۴۷ صهیونیست انجامید.

### عملیات «تساریم»

هنوز صهیونیست‌ها از ضربه عملیات تل‌آویو گیج بودند که یکی دیگر از شهادت‌طلبان گروه قسام به نام «هشام حمد»، در منطقه «تساریم» با رساندن خود به تجمع نظامیان اسرائیلی، کیف همراه خود را که حامل بمبی قوی بود، منفجر کرد.

در این حمله که پاسخی به شهادت «هانی عابد» از رهبران جنبش حماس در شهر «خان یونس» بود، ۳ نظامی صهیونیست کشته و ۱۲ صهیونیست دیگر مجروح شدند.

### عملیات «بخش پرواز»

بامداد سه‌شنبه پنجم دسامبر ۱۹۹۵، یحیی عیاش یکی از شهادت‌طلبان به نام «ایمن راضی» را به همراه یک ساک پر از مواد منفجره از اردوگاه «خان یونس» به قدس اشغالی فرستاد.

اگرچه «ایمن راضی» نتوانست وارد خودروی حامل

نبرد سنگینی که بین یحیی عیاش و یارانش از یک سو و تمام نیروهای سیاسی، امنیتی و نظامی صهیونیست از سوی دیگر در گرفت، ۲ مشخصه بارز داشت: اول اینکه جبهه صهیونیسم جهت مهار یا دفع عملیات‌های شهادت‌طلبانه مهندس عیاش، اهتمام همه‌جانبه و گسترده‌ای به خرج می‌داد و دوم، هوشیاری و درایت یحیی و یارانش بود که به خنثی کردن تدابیر کثیر صهیونیست‌های پرداختند

## عملیات‌های بزرگ ضدصهیونیستی / ۵ و پایانی

# در جست‌وجوی مهندس

**مهدی یحیایی:** روز جمعه ۵ ژانویه ۱۹۹۶، بخش‌های خبری رسانه‌های صهیونیستی با قطع برنامه‌های روتین خود، خبر مهمی را اعلام کردند: «مهندس یحیی عیاش، فرمانده گروه ضربت حرکت مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) و بنیانگذار گردان‌های انتحاری (استشهادهای) عزالدین قسام بر اثر انفجار یک بمب کشته شد.» «یحیی عیاش» نفر اول لیست ترور دستگاه‌های امنیتی اسرائیل، به مدت ۵ سال با سازماندهی شاخه نظامی حماس و طراحی ده‌ها عملیات شهادت‌طلبانه، بیشترین نقش را در ایجاد توازن وحشت در سرزمین‌های اشغالی ایفا کرد و کابوسی بزرگ برای کابینه امنیتی رژیم صهیونیستی بود. او مانند ماهی از چنگال دستگاه‌های امنیتی عریض و طویل اسرائیل می‌لغزید و چون شبی دست‌نیافتنی، خود با هم‌زمانش را به سلامت از زیر چشمان مأموران امنیتی عبور می‌داد و به اهداف مورد نظرش می‌رساند. هر روز گرم و پویش خود را به نحوی تعویض می‌کرد که قابل شناسایی نبود و به راحتی مقادیر معتناهی سلاح گرم و مواد منفجره قوی را در سرزمین‌های اشغالی جابه‌جا می‌کرد. هنوز هم پس از صدها عملیات شهادت‌طلبانه که از انتفاضه دوم به بعد انجام شد، برای اشغالگران اسرائیلی و مقامات صهیونیست، هیچ نامی ترس‌آورتر از «یحیی عیاش» نیست.



می‌کنند و بلافاصله به سایر مأموران، مورد مشکوک را اطلاع می‌دهند.

همه راه‌های خروجی تل‌آویو مسدود شده و کار تفتیش همه فولکس‌ها آغاز می‌شود. مجاهدان حماس نیز که متوجه شک در زبانان شده بودند با ترک منطقه مراسم، سعی در رهایی از دام صهیونیست‌ها داشتند اما نهایتاً رسیدن به یک کوچه بن‌بست در محله «امات‌افعال» خودرو را باقی گذاشته و خود اقدام به ترک منطقه کردند. صهیونیست‌ها پس از چند ساعت آنها را در محاصره قرار داده و نهایتاً «حسن احمد حسان» ۲۳ ساله و «عماد عبدالرحیم علی» ۲۶ ساله دستگیر می‌شوند اما نفر سوم می‌تواند به سلامت خود را به گروه قسام در «بلیس» برساند.

۲ مجاهد دستگیر شده، زیر شدیدترین شکنجه‌های شاباک، این مطلب را می‌گویند که به همراه فردی به نام «مهندس یحیی» سسوند خوردند اشغالگران را از اراضی وطن اسلامی‌شان اخراج کنند. این نخستین مواجهه صهیونیست‌ها با نام «مهندس یحیی عیاش» بود.

### عملیات «مسیره الاکفان»

هر چند نام یحیی در صدر لیست افراد تحت پیگرد همه مجموعه‌های اسرائیلی قرار داشت اما او بدون توجه به این موضوع، مشغول طراحی، بررسی و سازماندهی عملیاتی شد که جوی مملو از ترس و ناامنی را برای شخص نخست‌وزیر وقت رژیم صهیونیستی، «اسحاق رابین» و همه کابینه او برجا گذاشت.

۱۷ دسامبر ۱۹۹۲ مهندس عیاش خودرویی حاوی مواد منفجره را تحویل جوانی به نام «ساهر التمام» داد. «ساهر» ساعت ۱۲:۳۰ همان روز در منطقه «میحولا» - در نزدیکی «بیسان» - در حالی که در کنار یک رستوران متعلق به نظامیان صهیونیست و درست بین ۲ خودروی نظامی پارک کرده بود، آن را منفجر کرد.

طبق اعتراف مقامات رسمی اسرائیل، در این انفجار، ۲ نفر از افسران صهیونیست کشته و ۸ نفر نیز زخمی شدند.

### عملیات «شهدای ششگانه»

در پی اعلام سخنگوی نظامی ارتش صهیونیستی مبنی بر اعدام ۶ نفر از افراد گروه عزالدین قسام که در حال عبور از مناطق مرزی با مصر در شهر «رفح» بودند، مهندس عیاش طرحی را در ذهنش مدون کرد که موجب وارد آمدن ضربه سنگین مادی، حیثیتی و انسانی به اسرائیلی‌ها شد.

آوریل سال ۱۹۹۳ یحیی و گروه انتخابی‌اش از موانع امنیتی صهیونیست‌ها در منطقه «صفه» و «قطاع» عبور کردند و رستورانی در طبقه اول برج تجاری «لندن مینی استور» واقع در «تل‌آویو» را با مواد منفجره‌ای بسیار قوی، بمب‌گذاری کرده و حوالی ساعت ۶:۲۵ صبح روز ۱۵ آوریل، در حالی که آمیدی به خروج از کمربند امنیتی عوامل صهیونیست‌ها نداشتند، به بمب‌ها با هم‌زمان باهم منفجر کردند که بر اثر آن، انفجار مهیبی رخ داد که منجر به هلاک و زخمی شدن بیش از ۳۵ صهیونیست شد.

### عملیات «شیر مقاومت»

چند روز پس از این عملیات، در ساعات اولیه صبح روز پنجشنبه ۶ مه ۱۹۹۳، یکی از مجاهدان گروه عزالدین قسام، ۵ بمب ساخته شده توسط مهندس عیاش را در جاده قدیمی منتهی به «موشاف شیکف» در اراضی اشغالی سال ۱۹۴۸ کار گذاشت.

۲ عدد از این بمب‌ها حین عبور خودروی جیب گشتی نظامیان صهیونیست منفجر شد که به زخمی شدن ۲ صهیونیست انجامید.

در پی انفجار این ۲ بمب، صهیونیست‌ها نیروهای ویژه خود را برای پاکسازی جاده به منطقه گسبیل داشتند که بار دیگر با عبور خودروی دوم که از روی سومین و چهارمین بمب می‌گذشت، انفجار مهیبی رخ داد که منجر به کشته و زخمی شدن عده دیگری از صهیونیست‌ها شد. انفجار بمب پنجم در حالی رخ داد که «یوسف حایون» از متخصصان تخریب ارتش اسرائیل، مشغول خنثی کردن آن بود. این انفجار منجر به هلاکت او پس از ۳ روز در بیمارستان شد.

### عملیات «سلیمان زیدان»

در پاسخ به هجوم ارتش اشغالگر اسرائیل به اردوگاه «البریح» در سوم سپتامبر ۱۹۹۳ و هم‌زمان با سالگرد هتک حرمت مسجدالاقصی، مجاهد شهادت‌طلب

**عبداللطیف عیاش** «کشاورزی از اهالی روستای «افات» - از توابع «طولکرم» - بود. او سال ۱۹۶۴ با زنی از فامیل خود به نام «عایشه عیاش» ازدواج کرد که ثمره آن ۳ فرزند به نام‌های «یحیی»، «یونس» و «مرعی» بود. یحیی فرزند بزرگ خانواده، مطابق اطلاعات نوشته شده توسط خودش در فرم مشخصات ثبت‌نام «مجمع مهندسان اردن» ۷ مارس ۱۹۶۷/۱۶ اسفند ۱۳۴۵ به دنیا آمد.

پیش از ورود به دبستان، روخوانی قرآن را فراگرفت و از ۶ سالگی تحصیلات خود را شروع کرد. در همین دوران بود که موفق به دریافت جایزه ویژه حفظ و تلاوت قرآن از «اداره اوقاف اسلامی قدس» شد و پس از پایان مقطع ابتدایی، تحصیلات متوسطه خود را در دبیرستان «الزایوه» پی گرفت.

یحیی، مدرک لیسانس خود را در رشته مهندسی شیمی از دانشگاه «بیرزیت» دریافت کرد و تصمیم داشت تحصیلات خود را تا مقطع دکترا ادامه دهد که به دلیل ممانعت رژیم صهیونیستی از اعطای ویزای تحصیلی به وی، از این کار بازماند.

او از همان ایام وارد عرصه مبارزه با اشغالگران شد و با تشکیل جنبش حماس به کمک چند نفر دیگر از دوستانش، شاخه نظامی آن عیاشی گردان‌های شهید عزالدین القسام را راهاندازی کرد و خود فرماندهی آن را بر عهده گرفت.

او که در رشته شیمی درس خوانده بود، طی مدت کوتاهی به موفقیت‌های چشمگیری در طراحی و ساخت مواد منفجره دست یافت و به «مهندس اول» شهرت یافت و در صدر لیست تحت تعقیب دستگاه‌های امنیتی اسرائیل یوزبه «شاباک» (سازمان امنیت داخلی اسرائیل) قرار گرفت.

نبرد سنگینی که بین یحیی عیاش و یارانش از یک سو و تمام نیروهای سیاسی، امنیتی و نظامی صهیونیست از سوی دیگر در گرفت، ۲ مشخصه بارز داشت: مشخصه اول اینکه جبهه صهیونیسم و در رأسش رئیس کابینه و وزیر جنگ رژیم اشغالگر قدس، جهت مهار یا دفع عملیات‌های شهادت‌طلبانه مهندس عیاش، اهتمام همه‌جانبه و گسترده‌ای به خرج می‌دادند؛ خارجه حملات بی‌سابقه با حضور صدها نیروی ویژه امنیتی و نظامی اشغالگر برای یافتن یا قتل مهندس به مناطقی که احتمال وجودش در آنها می‌رفت، هنوز در آن‌ها پیر و جوان اراضی اشغالی باقی است. یکی از آن عملیات‌ها - که هنوز توسط مردم روستای «افات» نقل می‌شود - حضور گسترده نیروهای ویژه امنیتی و ده‌ها اکیب عملیاتی و پشتیبانی اشغالگران در کمتر از یک ساعت در جای جای اوقات است که همگی اطلاع کاملی از رفتار، نقشه‌ها، شیوه‌های عمل و سایر توجیهات مربوط به سوابق یحیی داشتند.

منحصره دوم این نبرد، هوشیاری و درایت یحیی و یارانش بود که در طول این درگیری‌ها و عملیات‌های گوناگون شهادت‌طلبانه، به خنثی کردن تدابیر کثیر صهیونیست‌ها می‌پرداختند.

نکنه جالب اینجاست که هر چه این ۲ مشخصه روشن‌تر بروز می‌کرد، بر حرمت و ولایی یحیی عیاش و همسرشگران در قلب مردم فلسطین از یک سو و ترس و اضطراب اشغالگران از سوی دیگر می‌افزود تا آنجا که مسؤولان صهیونیست دیگر این ترس و اضطراب را بی‌پرده در بیان خود منعکس می‌کردند.

«بنیامین بن‌علی» وزیر مسکن کابینه وقت صهیونیست‌ها در یکی از مصاحبه‌های خود، اوج سردرگمی دستگاه‌های امنیتی اسرائیل را در برخورد با عملیات‌های شهادت‌طلبانه هسته‌های مقاومت عزالدین قسام چنین بیان کرد: «بن عجیب‌ترین جنگ تاریخ است، چرا که دشمنان ما افرادی هستند که در از زروزی رسیدن به مرگ لحظه‌شماری می‌کنند».

### عملیات «امات‌افعال»

نخستین بار که صهیونیست‌ها با نام یحیی عیاش روبه‌رو شدند، در انشای شکنجه و بازجویی ۲ نفر از مجاهدان دستگیر شده گروه قسام بود.

این ۲ نفر به همراه یکی دیگر از مجاهدان در حال انتقال بیش از ۴۰ کیلوگرم مواد منفجره کار گذاشته شده در یک خودرو به محل تجمع عده‌ای از سران رژیم صهیونیستی در مراسم ویژه‌ای در منطقه «گوش دان» شهر تل‌آویو بودند که به خاطر یک اشتباه دستگیر شدند. این خودرو از نوع همان فولکس واگن‌های پلاک ویژه زردرنگ یهودی‌ها اما مملو از مواد منفجره بسیار قوی دست‌ساز و ۴ استوانه گاز و یک منبع انفجار بود.

با توجه به سابقه عبور و مرور خودروهای اینچینی نیز دارا بودن پلاک صهیونیستی، فولکس بدون مواجه شدن با مشکلی حوالی ساعت ۲ بامداد وارد محوطه مراسم شد تا صبح روز بعد منفجر شود اما هنگام ورود به مسیر انجام مراسم، ۵ دزدان مسؤول محوطه متوجه حرکت فولکس با چراغ‌های خاموش و درست در جهت مخالف حرکت معمول خودروهای دیگر شده و به آن شک